

مهدی فارسی، کارگردان مستند «عبای سوخته» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

معتدل بهشتی بود و هزینه‌اش را داد



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

مستند «عبای سوخته» شاید در نگاه اول گزارش صرف تصویری به نظر برسد که می‌تواند در یکی از روزهای پائیزی از رسانه ملی پخش شود! ظاهر فیلم چیزی جز این نمی‌گوید؛ اما وقتی از سطح بیرونی روایت به لایه‌های درونی و پیچیده‌تر آن پرداختیم، اصل ماجرا برپایمان مشخص می‌شود. شهید بهشتی طبق اسناد، گفته‌ها و اغلب فیلم‌های سینمایی با مستندی که در این سال‌ها وی ساخته شده، نماینده عقلانیت انقلاب تصویر شده است. در درستی این گزاره شکی نیست؛ اما کدام یک از این آثار توانسته‌اند واقعیت تلاش‌های این مرد بزرگ برای کادرسازی در جمهوری اسلامی و دولت‌مند شدن انقلاب را به میانجی تصاویر، صداها و آرشوهای موجود به‌درستی نشانه‌گذاری کنند؟ پاسخ به این پرسش ساده را به اهلیش واگذار می‌کنیم؛ اما عبا ی سوخته سوا ی ظاهر بسیار ساده‌اش، با تأکید، دست روی دکترین بهشتی در سپهر سیاست ایران می‌گذارد و راه درستی را از غلط، در حد وسع خود مشخص می‌کند. عبا ی سوخته، برای معرفی شمایل بهشتی دست به حقه‌کردن مفاهیم نمی‌زند و با توقف روی فرازهای مهم این شخصیت بدون آنکه ادعای ساختن اثری پرتره را داشته‌باشد، تا حد زیادی موفق عمل می‌کند. تلاش منافقین برای ورود به سناختار جمهوری اسلامی، اهتمام شهید روی اسلامیت و جمهوریت نظام، استفاده هوشمندانه از افرادی که جلوی دوربین «مهدی فارسی» قرار گرفته‌اند و همین‌طور بهره‌گیری موجز و به‌اندازه از صدای فرهاد قائمیان به‌عنوان راوی در کنار تصاویر آرشویی دیده نشده‌ان نکات مثبت «عبای سوخته» به حساب می‌آید. فارسی نسبت به ساخت مستندهای پرتره در مورد شخصیت‌های برجسته ایران و انقلاب بیگانه نیست؛ اما در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از متفاوت‌ترین تجربه فیلمساز ی اش می‌گوید.

■ ■ ■

شما پیش از ساخت مستند عبا ی سوخته، دست به ساخت مستندهای مشابهی در مورد حاج قاسم و آیت‌الله مدرس زده بودید. عبا ی سوخته چه ویژگی‌هایی دارد که آن را نسبت به دیگر آثارتان متمایز می‌کند؟

ما در دو تجربه قبلی مسراغ شخصیت‌هایی رفتم که خاص و ملی بودند و سعی کردیم پرتره‌آ ن‌ها را کار کنیم. در مورد آقای بهشتی تلاش کردیم پرتره ایشان را نیز بسازیم. بعد از سه سال متوجه شدیم از پس انجام آن برنمی‌آیم و توان انجامش را نداریم، حتی پژوهش و نگارش آن هم تا جایی پیش رفت و ضبط هم کردیم؛ اما در مورد منابع تصویری و منابع اسنادی- آرشویی و... عملاً کار به جایی نرسید و نهایتاً تصمیم بر این شد که به‌جای ساخت مستند پرتره شهید بهشتی به سه مقطع خاص از زندگی این شخصیت و نقش ایشان در وقایع اوایل انقلاب را در قالب مستند به مخاطب ارائه دهیم. این رویکرد یک یک نظر بد هم تمام نشد و ما در اکران‌هایی که داشتیم و نظراتی که از افراد مختلف گرفتیم متوجه شدیم که عبا ی سوخته به موضوعات و مسائل روز پهلو می‌زند. فیلم به لحاظ اسنادی ارجاعاتی دارد که تقریباً جایی دیده و شنیده نشده است؛ مانند صوت خود شهید بهشتی که مستقیماً روی موضوعات و مسائل مختلف به شکل خیلی صریح و واضح صحبت می‌کند.

پس عبا ی سوخته تجربه کاملاً متفاوتی بوده است، حتی متفاوت‌تر از

آن چیزی که شما پیش ازاین تولید کرده بودید.

بله، کاملاً متفاوت بود، یعنی پرتره نشد. ما ابتدا دنبال این بودیم که پرتره شهید بهشتی را کار کنیم؛ ولی به جریان‌شناسی کارنامه سیاسی شهید بهشتی در مقاطع مشخص رسیدیم. برای همین به لحاظ زمانی فیل متبست به مدت زمان متعارف مستندهای دیگر خیلی طولانی است. این مستند در حال حاضر ۱۰۴ دقیقه و نسخه اصلاحیه آن احتمالاً ۱۲۰ دقیقه است؛ یعنی براساس بازخورد احتمالاً چیزهایی به آن اضافه می‌شود. نکته بامزه‌اش برای من این بود که فیلم در اولین اکرانش توانست ظرفیت یک سالن با ۳۰۸ صندلی را به خود اختصاص دهد و تقریباً پر شد. من حقیقتاً انتظار این استقبال را نداشتم. عبا ی سوخته کار خاصی است و ما باید بازخوردها را رصد کنیم تا ببینیم در آینده چه کاری انجام دهیم.

نظرگاه مستند عبا ی سوخته در مواجهه با دیگر پرتره‌ها و حتی آثاری که شهید بهشتی را درپس زمینه روایتشان قرار داده‌اند، متفاوت است. از طرف دیگر، یک مسئله اساسی در عبا ی سوخته کاملاً عبا یون. مسئله‌ای که در فیلم مشاهده می‌شد تلاش شهید بهشتی برای کادرسازی در جمهوری اسلامی بود. این نکته به جالب‌شما درپرسش قبلی اشاره دارد؛ چون شما فرمودید بسیاری پس از تماشا ی عبا ی سوخته به این نکته اشاره می‌کردند که فیلم مرتبط با زمان حال است و به آن ارجاع می‌دهد. سؤا ل من از مهدی فارسی این است که وقتی در حال تکمیل‌کردن فرایند تولید مستند بودید به این مهم و مسیری فکر می‌کردید که پروژه در حال طی‌کردن آن بود؟

صادقانه‌ نه. وقتی پژوهش جلورفت متوجه‌قربا ن آن با اتفاقات وقایعی که آن درگیرش هستیم شدیم. جزئیات آن را باز نمی‌کنم، چون مخاطب خودش باید ببیند تا بتواند دراین خصوص تصمیم گرفته و قضاوت کند؛ اما وقتی که فیلم ساخته شد و این عناصر کنار هم قرار گرفت آن تصویر ذهنی کلی که ما داشتیم خیلی پررنگ‌تر از آن چیزی در آمد که حداقل خود من فکر می‌کردم. شما در مرحله پژوهش روی جزئیات کار می‌کنید و وقتی فیلم ساخته می‌شود یک تصویر واحد از چیزی که در نظر داشتید کنار هم شکل می‌گیرد که ممکن است نمود دیگری داشته باشد. وقتی دفعه اول نسخه کامل فیلم را دیدم احساسم این بود که با همه ضعف‌هایی که در کار وجود دارد در بعد محتوای حرف‌هایی برای گفتن دارد و به مباحث و موضوعاتی ورود پیدا می‌کند که ما پیش‌تر آن را به این شکل ندیده‌ایم. ما نمی‌توانستیم این را به گفتار متن تبدیل کنیم. نقطه‌قوت مستند هم در استفاده از صدای شهید بهشتی است، چون میزان صراحتی که در کلامش جاری است اگر با صدای «فرهاد قائمیان» (راوی مستند) خوانده می‌شد بدل به بیانیه‌ای سیاسی می‌شد. در حقیقت این مسئله که بهشتی مستقیماً به بعضی از مسائل ورود کرده و آن‌قدر صریح در موردش حرف می‌زند به نظرم اتفاق قابل تأملی است. این امر بر اساس بازخوردهایی است که از آدم‌های مختلف گرفتیم؛ چه کسانی که جریانات انقلاب را دنبال می‌کردند و خوانش‌های اضافه و رفتار را می‌دانستند، چه مخاطب عام که عمومی نگاه می‌کند. خیلی نگاه تاریخی به مسائل ندارد و خیلی هم جای کار دارد، یعنی اگر کسی علاقه‌مند شود و بچه‌های دیگر نیز در این حوزه کار کنند با همه سختی‌هایی که دارد، جای کار نیز دارد.

در این مستند مسئله‌ای که برای من جالب بود این بود که ما هم تصاویر آرشویی را می‌بینیم که قبلاً دیده بودیم و هم تصاویر آرشویی جدید را. من به یاد ندارم، مستندهای دیگر این قدر از نظر تصویری غنی

بوده باشند. این پروسه، پروسه تحقیق، پروسه پژوهش و پروسه پیدا کردن آرشو یو چقدر برای شما سخت بود؟

خیلی. ما ۲۲ هزار فریم عکس داشتیم و بالای ۱۲۰۰ ساعت تصویر بدون حتی یک صفحه شات لیست، یعنی فقط اطلاعات جمع شده بود به‌صورت کاملاً بی‌نام‌ونشان با یک سری کد و یک سری عدد. تا جایی که واقعاً در توانمان نبود، آرشو شبکه‌های سیمآ، آرشو استان‌ها، آرشو مرکزی کتابخانه ملی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشو شخصی بچه‌هایی را که کار کرده بودند جمع کردیم. همه این‌ها بدون هیچ شناسنامه‌ای بود. بزرگ‌ترین گرفتاری در اول ماجرا این بود که اگر این اطلاعات خوانش نشود؛ شناسنامه‌دار نشود؛ معنی پیدا نمی‌کند. اینکه آقای بهشتی در جایی مثلاً در مسجد بازار صحبت کردند و گفتند که تا امام(ره) اجازه ندهند من حرف نمی‌زنم بعضاً جذاب است، ولی اهمیت تاریخی این ماجرا در موقعیتی که صحبت می‌کنند و این یک‌روز بعد از سخنرانی تندتیز بازرگان و بنی‌صدر است یا مثلاً صداهایی که از بهشتی هست و ارجاعات تاریخی دارد؛ تمام این‌ها پیاده و دسته‌بندی شده، ولی در نظر داشته باشید با همه این اطلاعاتی که ما داشتیم نهایتاً نتوانستیم پرتره شهید بهشتی را کار کنیم، یعنی به لحاظ اسنادی فقط همین مقطع انقلاب را نهایتاً ورود کردیم.

به‌نوعی شاید این جوری بهتر شد.

به نظرم نسبت به وضعیتی که الان در کشور داریم این شاید همیشه برای زمانه ما پررنگ‌تر باشد. اگرچه پرتره شخصیتی از شهید بهشتی واقعاً جایش هنوز خالی است. الان با یک فیلم آرشویی طرفید که یک‌سری مصاحبه دارد. درصورتی‌که تصویر زیادی تولید شده که در این کار نیست، یعنی ما از زندان



■ ■ ■

آمارهای سینمای انیمیشن و غیر انیمیشن سال ۲۰۲۵ تماماً نزولی است به جز اعداد و ارقام تولیدات چین و ژاپن

سندروم شمشیر واژدها!



محمدحسین سلطانی خبرنگار گروه فرهنگ

اجازه بدهید با چند گزاره که دل اهالی سینما را می‌خراشد شروع کنیم؛ سینما به شکل واضح از سال ۲۰۲۳ تا اکنون سقوط کرده است. سال پیش که فروش سینما سقوط کرد، برخی از رسانه‌های آمریکایی بر مبنای برآوردها گفتند سهال بعد اوضاع بهتر می‌شود. بر همین مبنا، خیلی از پروژه‌های سینمایی جلو افتاد تا کاهش ۱۲ میلیاردی در فروش ۱۰۰ فیلم برتر باکس آفیس سهال ۲۰۲۴ به نسبت سال قبش دیده نشود. باین حال آمارهای ۲۰۲۵ بازهم را ناامید کرد. فروش سینما از ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۵، حدود ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون کاهش پیدا کرد. این یعنی اگر در روزهای آخر ۲۰۲۵ «آواتار» هم به جدول اکران اضافه شود باز هم ۲۰۲۵ سال بهتری از ۲۰۲۴ نخواهد بود. به تناسب همین کاهش هزینه‌ها، انیمیشن هم روند نزولی داشته است. سهم انیمیشن از کل فروش ۱۰۰ فیلم اول جدول اکران در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ دکرار شده است؛ اما در سال ۲۰۲۵ با یک شیب سبک، هم سهم سینمای انیمیشن کاهش ی است و هم کل فروش انیمیشن نزولی می‌شود. با این همه، یک آمار وجود دارد که شاید نصف شرقی جهان از آن خوشحال باشند. آماری که به ما سهام انیمیشن‌های آسیایی از ۱۰۰ فیلم برتر باکس آفیس را نشان می‌دهد.

■ ■ ■

وقتی شرقی‌ها شاد می‌شوند

تنها وجه مثبت آمار ۲۰۲۵ نسبت به سال قبش اوج‌گیری سینمای انیمیشن شرق است. شوک چینی‌ها به بازار و رکوردشکنی ژاپنی‌ها، توازن پیشین سینمای جهان را به‌هم زد و ناگهان سهام انیمیشن‌ها و انیمه‌های آسیایی از حدود ۳ درصد در سهال ۲۰۲۴ رشدی ۱۳ درصدی پیدا می‌کند و به رقم ۱۶ درصد می‌رسد. این آمار به دلیل دو اثر رقم می‌خورد: اول، «ژاا» و دوم، انیمه ژاپنی «شیطان‌کش». یکی با حدود ۲٫۱ میلیارد دلار فروش و دیگری با ۶۴۰ میلیون دلار. این یعنی سینمای چین و ژاپن در سال به هم ریختگی و سقوط آمریکایی، فرصت را غنیمت دانستند و اوضاع را در دست گرفتند. مگاهیت‌ها ناگهان کفه ترازو را به سمت شرق سنگین می‌کنند و رنگ‌های اعداد سبز می‌شود. نکته جالب ماجرا این است که سینمای انیمیشن آسیا از سال ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴، سقوط را تجربه کرده بود و از رقم ۱٫۱ میلیارد دلار به ۶۸۰ میلیون دلار رسید و در سال ۲۰۲۵، اعداد و ارقام ناگهان روی عدد ۳٫۱ میلیارد دلار می‌ایستد.

صعود سینمای شرق اتفاقی نیست

شاید نتوان اطمینان داشت که ۲۰۲۶ هم چینی‌ها بتوانند رقم فروششان را تکرار کنند؛ اما این موضوع قطعی است که ژاپن در ۲۰۲۶ باز هم جایگاه

قصر گرفته تا خانه شهید بهشتی و حتی فرودگاه مهرآباد تصویر داریم. از آن طرف از جماران، منزل شهید بهشتی، دانشگاه تهران، مدرسه رفاه هم تصویر داریم؛ اما تمام این تصاویر را کنار گذاشتیم، چون نهایتاً دیدیم هم در بحث پژوهشی و هم شرایطی که الان کشور دارد، بهتر است وارد یک‌سری مسائل نشویم، مثلاً آن بحث مذاکره با آمریکا در کشور جدی است و بامزه اینکه ۴۰ سال هم در مورد این موضوع صحبت می‌کنند، یعنی هیچ کدام کهنه نشده یا مثلاً سه‌صدری که شهید بهشتی داشتند، خیلی شنیدیم آقای بهشتی با طمأنینه‌ای با مخالفانشان برخورد می‌کردند. در همین مستند خودمان برای اولین‌بار مواجهه واقعی را پیدا و استفاده کردیم. شهید بهشتی واقعاً انسان خیلی صبور و خودساخته‌ای بودند. ای‌کاش سیاست‌مداران ما الان یاد بگیرند و شهید بهشتی را الگو قرار بدهند؛ اگرچه کار راحتی نیست.

مستندهای بسیاری هستند که باوجوداینکه به سوزه‌های سیاسی و تاریخی می‌پردازند، سوزه‌های خیلی مهمی هم هستند؛ اما ایدنولوژیک نمی‌شوند. برای یک مستند بلند، تا حدودی زمانش زیاد است، ولی اذیت نمی‌کند. زمانی که شهید بهشتی با مخالفانش مواجه می‌شود، تیغ تیز نقدش را به‌صورت منتقدان نمی‌کشد. برخوردی را که ایشان با منتقدان داشتند در ساخت این مستند دیده‌اید؟

بله، آن چیزی که ما دنبالش بودیم همین نکته است که شما گفتید. ما سعی کردیم به خود شهید بهشتی نزدیک شویم و خیلی نگاه ایدنولوژیک به ماجرا نداشته باشیم. من در هیچ فیلمی ندیده‌ام که اصطکاک ی بین مثلاً شهید بهشتی یا شهید مطهری پررنگ شده باشد. یا فرض کنید در جاهای مختلف مستند سعی کرده‌ایم بر اساس چیزی که از خود شهید بهشتی دریافت کرده‌ایم عمل کنیم که همیشه اعتدالی در همه رفتارشان دارند و با اینکه این اعتدال خیلی جاها به ضررشان هم تمام می‌شود، اما آن را حفظ می‌کنند.

شکل روایت عجیب‌وغریب نیست. لایه‌های پنهان و درونی‌تر اثر بین آن و بقیه فیلم‌ها کمی تفاوت ایجاد می‌کند و به‌خاطر همین برای مخاطب جالب‌توجه است، حتی چشم میهمان‌ها و کسانی که جلوی دوربین قرار می‌گرفتند جالب است.

چیزی که برای خود من جالب شد و خیلی برایش خدا را شکر کردم، این بود که شسب اولین اکران مستند که دکتر محمدرضا بهشتی، پسر شهید بهشتی تشریف آورده بودند، نگران این بودم که این ساختار ساده و متعارف که ما در روایت انتخاب کردیم شاید ایشان را آزرده کند. همان شب داشتم به دکتر می‌گفتم می‌توانستیم از تمهیدات زیادی استفاده کنیم که دراماتیک‌تر و سینمایی‌تر شود، حرف من تمام نشده آقای دکتر گفت نه اصلاً این مستند، خوبی‌اش به همین است که این کار را نکردید، یعنی این سادگی که خود محتوا در آن برجسته می‌شود، خوب است. من این تجربه را در «خانه متروک» دارم؛ سهال‌ها پیش یک فیلم بلند کار کردم که درباره وقایع افسران در جنگ جهانی اول بود. فیلم به لحاظ تکنیکی نکته زیاد داشت و بعدها فهمیدم که جنبه‌های هنری کار که دراماتیکش می‌کند، باعث جذابیت شده است. جاهایی بدون اینکه خود ما بخواهیم ممکن است روی آن نقطه‌گذاری‌های محتوایی که کرده‌ایم، تأثیر سوء بگذارد، یعنی مخاطب فیلم را می‌بیند، برایش جذاب است و درگیر می‌شود؛ اما در محتوا آن نکاتی که مدنظرشان است از دست می‌رود. این ماجرا آفتی اینچنینی دارد.

■ ■ ■

آمارهای سینمای انیمیشن و غیر انیمیشن سال ۲۰۲۵ تماماً نزولی است به جز اعداد و ارقام تولیدات چین و ژاپن

آمارهای سینمای انیمیشن و غیر انیمیشن سال ۲۰۲۵ تماماً نزولی است به جز اعداد و ارقام تولیدات چین و ژاپن

آمارهای سینمای انیمیشن و غیر انیمیشن سال ۲۰۲۵ تماماً نزولی است به جز اعداد و ارقام تولیدات چین و ژاپن

آمارهای سینمای انیمیشن و غیر انیمیشن سال ۲۰۲۵ تماماً نزولی است به جز اعداد و ارقام تولیدات چین و ژاپن

آمارهای سینمای انیمیشن و غیر انیمیشن سال ۲۰۲۵ تماماً نزولی است به جز اعداد و ارقام تولیدات چین و ژاپن

درصد، پرده از ظهور یک قطب‌بندی جدید اقتصادی بر می‌دارد. باین حال، استدلال اصلی این گزارش بر تمایز ماهوی میان «موفقیت انفجاری چین» و «موفقیت استراتژیک ژاپن» استوار است. اگرچه چین باتکیه بر «ژاا» و فروش خیره‌کننده ۲٫۱ میلیارد دلاری، شوک اصلی را به بازار وارد کرد؛ اما وابستگی این مدل به بسیج چندین شرکت و نوسانات سرمایه‌گذاری (مدل علی‌بابا)، پایداری آن را در سال‌هایی که مگاهیت ندارند (مانند ۲۰۲۶) زیر سؤال می‌برد. اما خطر اصلی برای سهم بازار غرب، نه چین، بلکه اکوسیستم پایدار ژاپن است. ژاپنی‌ها با فروش ۶۴۰ میلیون دلاری «شیطان‌کش» و رشد مداوم، ثابت کرده‌اند مدلی مبتنی بر هم‌افزایی «استریم، سریال و سینما» خلق کرده‌اند که ریسک سرمایه‌گذاری را به حداقل رسانده است. برخلاف چین که نموداری سینوسی دارد، ژاپن باتکیه‌بر «مخاطب وفادار»، در حال تسخیر آرام سهام بازاری است که پیش‌تر در اختیار اروپا بود. درنهایت، داده‌های ۲۰۲۵ فریاد می‌زند که دوران تک‌قطبی هالیوود به سر آمده و اگر غرب در ۲۰۲۶ نتواند با «شسرک» و «ودی» ورق را برگرداند، تثبیت ژاپن به‌عنوان قدرتی معادل کل سینمای اروپا اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. حالا و در شرایط بد کنونی سسینمای جهان، جمعیت چین و هند و کشورهای شرقی پرجمعیت تعیین‌کننده می‌شوند. جمعیتی که به دلیل جوانی‌اش راحت می‌تواند صنایع‌های سینما را پرکند، آن هم در شرایطی که سینماهای غرب خالی و خالی‌تر می‌شوند و چشم به سینماهای چین بسته‌اند که شاید با اکران تولیداتی مثل «ژوتوپای ۲» و فروششان را از یک میلیارد دلار بالاتر ببرند. حالا شاید به شکل دقیق‌تر بتوانیم بگوئیم که سینمای جهان دچار سندروم شمشیر و اژدها شده است، سندرومی که روی پرده‌های سینما پرچم چین و ژاپن را می‌اندازد.

